

دانشگاه فرهنگیان

فصل نامه علمی-ترویجی آموزش پژوهی

سال چهارم، شماره سیزدهم، بهار 1397

تحلیل محتوای کتاب‌های علوم دوره ابتدایی از نظر مقوله‌های

سه گانه سواد تغذیه‌ای

اعظم غلامی¹، معصومه محمودی قوژدی²، مرضیه دهقانی³

پذیرش: 97/10/10

دریافت: 97/7/26

چکیده

هدف پژوهش حاضر، بررسی میزان توجه کتاب‌های درسی علوم دوره ابتدایی و همچنین نظرات معلمان پایه‌های اول تا ششم ناحیه 2 کرمانشاه نسبت به مقوله‌ها و زیرمقوله‌های سواد تغذیه‌ای در این کتاب‌ها است. نمونه مورد بررسی در این پژوهش، عبارت است از کلیه کتاب‌های علوم تجربی دوره ابتدایی (پایه‌های اول تا ششم) در سال تحصیلی 96-1395 و 255 نفر از آموزگاران پایه‌های اول تا ششم ناحیه 2 شهرستان کرمانشاه. روش آماری این پژوهش، تحلیل توصیفی داده‌ها بود. برای تحلیل محتوا از روش کرپیندوروف (2004) و برای تحلیل نتایج پرسش‌نامه از روش‌های آمار توصیفی استفاده شد. ابزار تحلیل کتاب‌ها، سازه تحلیل محتوا بود که بر اساس مبانی نظری تهیه شد. ابزار گردآوری داده‌ها برای بررسی نظرات معلمان، پرسش‌نامه محقق ساخته و برای تحلیل فرضیه‌های پژوهش، آزمون تحلیل واریانس یک‌سویه و آزمون تعقیبی شفه بود. نتایج نشان می‌دهد میزان توجه به مقوله‌ها در متن کتاب‌ها 44٪، سؤالات 22/1٪ و تصاویر 33/9٪ است. میزان توجه به مقوله‌های دانشی در متن، تصویر و سؤالات کتاب‌ها 82/2٪، مقوله‌های مهارتی 16/6٪ و مقوله‌های نگرشی 1/2٪ می‌باشد. در بررسی نظرات معلمان مشخص شد که مقوله‌های دانشی و تصاویر مربوط به مقوله‌ها در کتاب علوم دوم و سوم و مقوله‌های مهارتی و ارزشی در کتاب‌های علوم پایه سوم بیشتر از سایر کتاب‌ها بوده است.

کلید واژه‌ها: تحلیل محتوا، علوم، دوره ابتدایی، سواد تغذیه‌ای، نگرش، مهارت.

1. عضو هیئت علمی گروه زیست‌شناسی، دانشگاه فرهنگیان، تهران، Azam.Gholami@gmail.com

2. کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی درسی، دانشگاه فرهنگیان، تهران.

3. عضو هیئت علمی گروه برنامه‌ریزی درسی، دانشگاه تهران.

مقدمه

امروزه توجه به سلامت جامعه به عنوان محور و زیربنای جامعه مورد تأکید قرار گرفته و تغذیه صحیح و متعادل، اساس دستیابی به آن تلقی می‌شود. آگاهی و دانش تغذیه‌ای، یکی از راه‌های رسیدن به تغذیه صحیح و متعادل است، به طوری که هر فرد در هر زمان بتواند با استفاده از علم و دانش کسب‌شده در انتخاب غذا و تأمین نیازهای تغذیه‌ای خود با شیوه صحیح اقدام نماید (ساویج کینک و همکاران، 1383). توجه به گروه‌های سنی در حال رشد در هر جامعه، سرمایه‌گذاری برای آینده مملکت است. توجه به رشد و تکامل طبیعی در دوران کودکی و نوجوانی به وسیله تغذیه خوب و حمایت بهداشتی ممتد و مداوم، نمایانگر سرمایه‌گذاری مؤثر در بهداشت و سلامتی آینده آنان است (رسولی، 1388). در کشور سازمان‌های مختلفی در امر فرهنگ و سواد غذا و تغذیه‌ای جامعه نقش آفرین هستند و یکی از این سازمان‌ها که می‌تواند تأثیر عمیقی در بالا بردن سواد تغذیه‌ای داشته باشد سازمان آموزش و پرورش است (سند ملی توسعه فرابخشی امنیت غذا و تغذیه، 1383). برای بهتر زیستن و تأمین سلامتی بدن، مجهز شدن به دانش تغذیه به انسان کمک می‌کند تا با انتخاب ترکیب مناسبی از مواد غذایی و تصحیح عادات نادرست غذایی، زندگی بهتر با کارایی بیشتر داشته باشد (صمدی و همکاران، 1390). امروزه ارتقاء سطح آگاهی‌های تغذیه‌ای جامعه یا به عبارت بهتر مبارزه با مشکل بی‌سوادی تغذیه‌ای یکی از راهکارهای مفید برای کاهش میزان سوء تغذیه و بروز چاقی و بیماری‌های مرتبط با آن در سطح جامعه شناخته شده است (توکلی، 1390). مشکلات تغذیه‌ای با پیامدهای نامطلوب اجتماعی، اقتصادی و بهداشتی شامل افزایش مرگ و میر و ابتلا به بیماری‌ها، افزایش هزینه‌های درمان، کاهش ضریب هوشی و قدرت یادگیری، کاهش توان کار و توانمندی‌های ذهنی و جسمی، روند توسعه کشورها را به خطر می‌اندازد (بایگی و همکاران، 1386). دوره ابتدایی مهم‌ترین دوره تحصیلی در نظام آموزش و پرورش محسوب می‌شود، زیرا شکل‌گیری شناخت و رشد همه‌جانبه فرد در این دوره بیشتر انجام می‌گیرد (صمدی و همکاران، 1390). با توجه به بعضی تحقیقات داخلی که در زمینه سلامت و تغذیه انجام شده، نتایج حاکی از آن است که در دوره ابتدایی به دانش‌آموزان و کتاب‌های این دوره توجه قابل قبولی در زمینه سواد تغذیه‌ای نشده و به‌طور مؤثر و کافی به این موضوع پرداخته نشده است (رفعیان، 1393). بنابراین بخش بزرگ این امر بر عهده آموزش و پرورش است. از آنجا که آموزش دوره ابتدایی به عنوان مبنا و اصل همه آموزش‌ها مطرح می‌شود و سنگ زیربنای نظام آموزشی به شمار می‌آید، توجه اساسی به این دوره

اهمیت ویژه‌ای دارد. محتوای کتاب‌های این دوره در ذهن دانش‌آموزان، اولین نقش‌هایی هستند که بر لوحی صاف و سفید نقش می‌بندد (دهقانی، 1388).

بنابراین با توجه به نقش برنامه‌های درسی و محتوای کتاب‌های درسی به‌خصوص درس علوم تجربی که یکی از اهداف آن پرداختن به مسائل زیستی و سلامت بدن است، می‌خواهیم این موضوع را بررسی نماییم که محتوا، تصاویر و پرسش‌های کتاب‌های درسی علوم تجربی دوره ابتدایی تا چه میزان به مقوله‌ها و زیر مقوله‌های سواد تغذیه‌ای توجه کرده است؟ با توجه به این که کتاب‌های مقطع ابتدایی جدیدالتألیف هستند و تاکنون در این زمینه پژوهشی صورت نگرفته، بر آن شدیم تا محتوای کتاب‌های علوم تجربی را از این منظر مورد بررسی و نقد قرار دهیم. همچنین با توجه به این که کیفیت و کمیت محتوای کتاب درسی در جریان تدریس مشخص می‌شود، نظرات معلمان مقطع ابتدایی را نیز مورد تجزیه و تحلیل قرار دادیم. لذا تحقیق حاضر در نظر دارد علاوه بر تحلیل محتوا، نظرات معلمان پایه‌های اول تا ششم دوره ابتدایی ناحیه 2 کرمانشاه را در مورد کتاب‌های علوم نسبت به مقوله‌ها و زیرمقوله‌های سواد تغذیه‌ای به دانش‌آموزان بررسی نماید. تحقق این مهم می‌تواند نقایص موجود در کتاب‌های علوم دوره ابتدایی را در خصوص آموزش مقوله‌های سواد تغذیه برطرف کند و از این طریق به جامعه و نسل جوان خدمت مؤثری داشته باشد.

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

سواد تغذیه به مجموعه‌ای از توانایی‌های مورد نیاز برای درک اهمیت تغذیه خوب، در حفظ سلامت اشاره دارد. هدف اولیه از سواد تغذیه‌ای به دست آوردن درک، شناسایی و توانایی برای تصمیم‌گیری آگاهانه در مورد مقدار و نوع غذاهایی است که برای حفظ سلامت و جلوگیری از بیماری‌ها لازم است. به عبارتی فرایند آشنایی افراد با ارزش منابع موجود در دسترس و ترغیب آنان به تغییر رویه موجود است. به عبارت دیگر، سواد تغذیه آموزش برای تغذیه بهتر و در نتیجه، آوردن تغییرات مثبت مطلوب در دانش، نگرش و عملکرد به منظور افزایش وضعیت تغذیه فرد و جامعه به عنوان یک کل است (آلن، 2004). فرهنگ و سواد تغذیه‌ای یعنی افراد تا چه اندازه در بهره‌گیری از منابع غذایی موجود توانایی دارند؛ به عبارت دیگر سواد تغذیه‌ای این افراد به چه میزان می‌باشد و چگونه می‌توان این توانایی و سواد تغذیه‌ای را افزایش داد. یعنی چطور می‌توان با افزایش آگاهی افراد، آنها را قادر ساخت تا بین قیمت مواد غذایی موجود در بازار و بودجه‌ای که خانوار می‌تواند به تهیه مواد غذایی اختصاص دهد تعادل به وجود آورند

و این کار را به نحوی انجام دهند که نیازهای تغذیه‌ای افراد تأمین گردد و البته سلامت تغذیه‌ای نیز مد نظر قرار گیرد (رفعیان، 1393).

اهمیت تغذیه در دوره‌های مختلف زندگی به خوبی روشن شده است. برقراری عادات غذایی خوب در دوران کودکی احتمال رفتارهای غذایی نامناسب را، که در سنین نوجوانی به وفور دیده می‌شود، در سنین بزرگسالی کاهش می‌دهد. دوران دبستان بهترین زمان برای شروع یک الگوی زندگی و غذای سالم است. این مرحله زمانی است که کودک باید غذاها و طعم‌های جدید را تجربه کند و علائق غذایی خود را بشناسد. سواد و فرهنگ تغذیه‌ای یک مقوله مهم در رشد صحیح جسمی و جلوگیری از ایجاد زمینه بسیاری از امراض مربوط به آن می‌باشد. در سال‌های اخیر وضعیت تغذیه خوب به عنوان یک شاخص توسعه مورد قبول برنامه‌ریزان بهداشتی، اقتصادی و اجتماعی در کشورهای در حال رشد قرار گرفته است (معتد رضایی و همکاران، 1393). تحلیل محتوا روشی «غیرواکنشی» و «غیرمداخله‌ای» است و چون اسناد مورد مطالعه و متون مورد تحلیل، پیش از این ثبت شده‌اند، بنابراین صاحبان اسناد و مؤلفان آثار را به کار تحلیل و واکنش فرا می‌خواند؛ البته تحلیلگران و محققان در کار تألیف و تدوین و ایجاد اسناد و مدارک مداخله‌ای ندارند. روش تحلیل محتوا به جای مشاهده مستقیم رفتار افراد یا پرسش در مورد آنها، پیام‌ها و آثاری که آنان پدید آورده‌اند را مورد توجه، تحلیل و مطالعه قرار می‌دهد و مطالعه‌ای که بر اساس تحلیل محتوا صورت می‌گیرد، بیشتر در پی شناخت ارزش‌های فرهنگی و دیدگاه‌های اجتماعی عمده‌ای است که عرضه می‌شوند (دهقانی، 1388).

در مورد موضوع پژوهش حاضر مطالعاتی در داخل و خارج از ایران انجام شده است از جمله مطالعه‌ای که کیان (1394) در تحلیل برنامه درسی مغفول سواد تغذیه‌ای در دوره متوسطه انجام داد و به این نتیجه دست یافت که منابع اطلاعاتی دختران و پسران برای کسب اطلاعات تغذیه‌ای متفاوت است و باید بازنگری ویژه‌ای در برنامه‌های درسی دوره متوسطه از نظر ارتقاء سواد و عملکرد تغذیه‌ای دانش‌آموزان صورت گیرد. رفعیان (1393) تحلیل محتوای کتاب‌های درسی علوم تجربی دوره ابتدایی از نظر میزان توجه به سواد تغذیه را انجام داد و به این نتیجه رسید که در بین واحد گروه‌های غذایی، بیشترین واحد به شاخص نان و غلات و آب آشامیدنی اختصاص یافته و کم‌ترین برای شاخص شیر و لبنیات است و بیشترین ضریب اهمیت در دروس علوم تجربی دوره ابتدایی مربوط به شاخص میوه‌ها و کم‌ترین ضریب اهمیت مربوط به شاخص شیر و لبنیات بوده است. صمدی و کاظمی بازردهی (1390) تحلیل محتوای کتب مقطع ابتدایی بر اساس الگوی صحیح مصرف مواد غذایی را انجام دادند و بعد از

تحلیل محتوا به این نتیجه رسیدند که وضعیت اطلاع‌رسانی این کتب نسبت به آب و کربوهیدرات بالاتر و نسبت به چربی، پروتئین، ویتامین و مواد معدنی ناچیز است. همچنین کمیت و کیفیت پیام‌ها در کتاب علوم پایه سوم نسبت به بقیه کتاب‌های درسی در اولویت می‌باشد. پورعبداللهی و ابراهیمی (1379) پژوهشی با عنوان آگاهی تغذیه‌ای دختران دانش‌آموز دبیرستان‌های تبریز انجام دادند و به این نتیجه رسیدند که برای رسیدن به سطح مطلوب آگاهی تغذیه‌ای دختران، برنامه‌های توسعه‌یافته آموزشی و استراتژی‌های مناسب‌تری مورد نیاز است. میلو ساو لویچ و همکارانش (2015) پژوهشی با عنوان دانش تغذیه و رژیم غذایی و بررسی عادات غذایی در جمعیت دبیرستان انجام دادند. نتایج پژوهش این بود که سیاست‌ها و استراتژی‌های سطح مدرسه باید مورد اصلاحات و بازبینی بیشتری قرار گیرد تا در نتیجه بتوان شیوه‌های مصرف مواد غذایی را در نوجوانان سنین ابتدایی و متوسطه بهبود بخشید و همزمان شاخص‌های فرهنگی-اجتماعی مربوط به رفتارهای تغذیه‌ای را ارتقاء داد. فاستر و همکاران (2008) پژوهشی با عنوان یک سیاست مداخله‌ای در مدرسه برای جلوگیری از اضافه وزن و چاقی انجام دادند و نشان دادند که کمبود دانش تغذیه می‌تواند میزان پذیرش مواد غذایی مفید و مؤثر را کاهش دهد.

پژوهش حاضر درصدد بررسی کتاب‌های درسی علوم تجربی ابتدایی از نظر میزان توجه به مقوله‌های سواد تغذیه است و از این رو دو هدف کلی دارد:

- 1- شناسایی میزان توجه کتاب‌های درسی علوم دوره ابتدایی به مقوله‌ها و زیرمقوله‌های سواد تغذیه‌ای.
- 2- بررسی نظرات معلمین پایه‌های اول تا ششم ناحیه 2 کرمانشاه نسبت به کتاب‌های مذکور در زمینه مقوله‌ها و زیرمقوله‌های سواد تغذیه‌ای به دانش‌آموزان.

همچنین این پژوهش در پی دستیابی به هدف‌های ویژه زیر است:

- 1- شناسایی میزان توجه متن کتاب‌های درسی (پایه‌های اول تا ششم) علوم دوره ابتدایی به مقوله‌ها و زیرمقوله‌های سواد تغذیه‌ای.
- 2- شناسایی میزان توجه پرسش‌های کتاب‌های درسی (پایه‌های اول تا ششم) علوم دوره ابتدایی به مقوله‌ها و زیرمقوله‌های سواد تغذیه‌ای.
- 3- شناسایی میزان توجه تصاویر کتاب‌های درسی (پایه‌های اول تا ششم) علوم دوره ابتدایی به مقوله‌ها و زیرمقوله‌های سواد تغذیه‌ای.
- 4- بررسی نظرات معلمان (پایه‌های اول تا ششم) علوم دوره ابتدایی در مورد کتاب‌های علوم و مقوله‌ها و زیرمقوله‌های سواد تغذیه‌ای در این کتاب‌ها.

سؤالات پژوهش

- 1- محتوای متن کتاب‌های علوم پایه‌های اول تا ششم تا چه میزان به مقوله‌ها و زیرمقوله‌های سواد تغذیه‌ای پرداخته است؟
- 2- پرسش‌های کتاب‌های علوم پایه‌های اول تا ششم تا چه میزان به مقوله‌ها و زیرمقوله‌های سواد تغذیه‌ای پرداخته است؟
- 3- تصاویر کتاب‌های علوم پایه‌های اول تا ششم تا چه میزان به مقوله‌ها و زیرمقوله‌های سواد تغذیه‌ای پرداخته است؟
- 4- نظرات معلمان پایه‌های اول تا ششم در مورد کتاب‌های علوم و آموزش مقوله‌ها و زیرمقوله‌های سواد تغذیه‌ای در این کتاب‌ها چگونه است؟

جامعه و نمونه آماری

جامعه آماری این تحقیق شامل دو قسمت زیر است:

- 1- کتاب‌های علوم تجربی شامل کلیه کتاب‌های درسی علوم تجربی دوره ابتدایی از پایه اول تا ششم سال تحصیلی 95-96 است که تعداد آنها 6 جلد بوده و در مدارس ابتدایی، آموزش داده می‌شوند.
 - 2- جامعه آماری معلمان برای نظرخواهی از آنان، شامل کلیه معلمان شاغل در منطقه شهری ناحیه 2 شهر کرمانشاه است که در سال تحصیلی 95-96 در مدارس ابتدایی این ناحیه از پایه اول تا ششم مشغول تدریس می‌باشند. بر اساس آمار گرفته‌شده از اداره آموزش و پرورش ناحیه 2 کرمانشاه شمار معلمان ابتدایی این ناحیه 760 نفر می‌باشد.
- از جامعه اول به دلیل محدود بودن جامعه آماری، کلیه کتاب‌های هر شش پایه دوره ابتدایی، به عنوان نمونه انتخاب شدند. حجم نمونه آماری آموزگاران با فرمول تعیین حجم نمونه کوکران 255 نفر به دست آمد. روش نمونه‌گیری از آموزگاران به صورت تصادفی ساده بود که از میان مدارس ابتدایی ناحیه 2 شهر کرمانشاه، چند مدرسه به صورت تصادفی انتخاب و به آموزگاران آن مدارس پرسش‌نامه داده شد.

روش و ابزار گردآوری داده‌ها

پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی و از نوع تحلیل محتوا است. در این پژوهش جهت جمع‌آوری اطلاعات برای تحلیل محتوای کتب علوم، از چک لیست استفاده شد. چک لیست مقوله‌های سواد

تغذیه‌ای پس از انجام مطالعات وسیع، جستجو در شبکه‌های رایانه‌ای و گردآوری اطلاعات از منابع داخلی و خارجی اعم از کتاب، پایان‌نامه، مقاله و اسناد پژوهش‌کنده تحقیقات تغذیه کشور و راهنمایی اساتید تهیه و بعد از انجام تغییراتی در سه مقوله دانشی، مهارتی و نگرشی طبقه‌بندی شد. برای هر مقوله نیز زیرگروه‌هایی در نظر گرفته شد که جمعاً 50 مورد را شامل شد و روایی آن توسط متخصصان تأیید و پایایی آن بر اساس فرمول ضریب پایایی هولستی محاسبه شد. بدین ترتیب میزان پایایی تحقیق بر اساس درصد توافق بین دو کدگذار و بر اساس فرمول ضریب پایایی هولستی محاسبه شد و بر اساس آن میزان توافق بین آن‌ها 85/29 درصد به دست آمد.

این پژوهش از جنبه نحوه گردآوری داده‌های پرسش‌نامه از نوع توصیفی-پیمایشی است. به منظور دستیابی به نظرات معلمان دوره ابتدایی از یک پرسش‌نامه با 41 سؤال بسته پاسخ استفاده گردید و برای هر پایه پرسش‌نامه مخصوص همان پایه تهیه شد. پرسش‌نامه بر اساس مقیاس لیکرت تنظیم شد. در این پرسش‌نامه با توجه به اهداف و محتوای کتاب‌های علوم تجربی دوره ابتدایی و بر اساس چک‌لیست تهیه‌شده در زمینه مقوله‌های دانشی، مهارتی و نگرشی سواد تغذیه‌ای و مصاحبه با افراد صاحب‌نظر، همچنین استفاده از راهنمایی استادان، در نهایت مجموعه پرسش‌ها گردآوری گردید و روایی آن از طریق بررسی اعتبار محتوا توسط متخصصان و پایایی آن از طریق روش آلفای کرونباخ محاسبه شد. مقدار آلفا برای مقوله‌های دانشی 0/93، مقوله‌های مهارتی 0/92 و مقوله‌های ارزشی 0/89 به دست آمد و چون در همه موارد بالاتر از 0/7 است، نشان می‌دهد که پرسش‌نامه تحقیق از پایایی مناسبی برخوردار است.

روش تجزیه و تحلیل آماری

تجزیه و تحلیل اطلاعات و همچنین بررسی نظر آموزگاران با آمار توصیفی و استنباطی صورت گرفت. تجزیه و تحلیل سؤال ۱، ۲، ۳ با استفاده از روش‌های آمار توصیفی با محاسبه توزیع فراوانی و درصدگیری انجام گرفت. سؤال 4 با آزمون تحلیل واریانس یک سویه مورد تحلیل قرار گرفت. برای بررسی تفاوت معناداری، از آزمون تعقیبی شفه بهره گرفته شد؛ ثبت داده‌ها و محاسبات گوناگون نیز، توسط رایانه و با استفاده از نرم‌افزار آماری SPSS انجام گرفت.

روش انجام پژوهش

هدف پژوهش حاضر عبارت است از شناسایی میزان توجه کتاب‌های درسی علوم دوره ابتدایی به مقوله‌ها و زیرمقوله‌های سواد تغذیه‌ای و همچنین بررسی نظرات معلمان پایه‌های اول تا ششم ناحیه 2 کرمانشاه

نسبت به کتاب‌های مذکور، در زمینه آموزش مقوله‌ها و زیرمقوله‌های سواد تغذیه‌ای به دانش‌آموزان است. در راستای این هدف محتواهایی که به مقوله‌های سواد تغذیه‌ای توجه داشت از کتاب‌های علوم تجربی دوره ابتدایی استخراج و در فهرست واری نویخته شد. در این تحلیل شش کتاب علوم تجربی (اول تا ششم) دوره ابتدایی و همچنین نظرات معلمان ابتدایی مورد بررسی قرار گرفتند. مقوله‌های سواد تغذیه‌ای در سه حیطه دانشی یعنی دانش سلامت‌محور (شامل دانش غذا و تغذیه، دانش سبک زندگی)، دانش بهداشت و ایمنی غذا، دانش علم غذا (شامل شناخت غذا و فرایند تهیه آن) و دانش نحوه پخت و تهیه غذا، مقوله‌های مهارتی شامل مهارت‌های عملکردی (مهارت دسترسی به دانش، مهارت به‌کارگیری / استفاده از دانش، مهارت انتخاب غذا)، مهارت‌های ارتباطی (مهارت‌های تعاملی، مهارت بحث، مهارت خودکنترلی)، مهارت‌های تحلیلی (تحلیل رسانه، تحلیل برچسب تغذیه‌ای، مهارت مدیریت و تصمیم‌گیری در شرایط خاص) و مقوله‌های نگرشی (شامل مسائل ارزشی مرتبط با غذا و تمایلات تغذیه‌ای) با تعدادی زیرمقوله تعیین و کدگذاری گردید. به منظور استخراج فراوانی‌ها جداولی تهیه شد که در آن کدها و مقوله‌های سواد تغذیه ثبت شد و پس از بررسی‌های تکمیلی و تعیین پایایی با تعیین میزان فراوانی‌ها و درصد‌های آنها، جدول‌ها و نمودارها مشخص و به سؤالات پژوهش پاسخ داده شد.

سؤال پژوهشی 1: در مورد میزان مقوله‌ها و زیرمقوله‌های سواد تغذیه‌ای در محتوای متن کتاب‌های علوم پایه‌های اول تا ششم با توجه به تحلیل محتوای کتاب‌های فوق و جدول 1، فراوانی‌های مربوط به هر سه حیطه (دانشی، مهارتی و نگرشی) و هریک از زیر مقوله‌های این حیطه‌ها استخراج گردید. لذا می‌توان گفت بر اساس یافته‌های به دست آمده از تحلیل محتوای کتب فوق‌الذکر اولاً سطح مقوله‌های سواد تغذیه موجود در کتب علوم تجربی، بر اساس درصد‌های به دست آمده متوسط به پایین می‌باشد و ثانیاً از مقایسه بین کتب فوق‌الذکر مشخص است که تعداد و درصد مقوله‌های مربوط به سواد تغذیه در کتاب سال دوم بیشتر از بقیه کتاب‌ها و مقوله‌های سواد تغذیه موجود در کتاب سال اول نیز کمتر از سایر کتاب‌ها می‌باشد. همچنین نتایج تحلیل محتوای کتب درسی مورد بررسی متن نشان می‌دهد که فراوانی مقوله‌های سواد تغذیه در متن کتاب‌های پایه‌های چهارم و پنجم و ششم نسبت به پایه اول، دوم و سوم سیر نزولی داشته است.

جدول 1- فراوانی مقوله‌های سواد تغذیه (دانشی، مهارتی و نگرشی) در متن کتاب‌های علوم تجربی ابتدایی

پایه	اول	دوم	سوم	چهارم	پنجم	ششم	مجموع
فراوانی	15	85	79	48	34	22	283
درصد	5/3%	30%	27/9%	17%	12%	7/8%	100%

همچنین پراکندگی مقوله‌های سواد تغذیه در کتاب‌های پایه اول تا ششم با توجه به مقوله‌های سواد تغذیه (مقوله‌های دانشی، مهارتی، نگرشی) یکسان نبوده و بیشتر تأکید کتب فوق‌الذکر بر مقوله‌های دانشی سواد تغذیه با فراوانی 87/6 درصد بوده است (بیشترین فراوانی‌ها مربوط به زیرمقوله شناخت گروه‌های غذایی اصلی و دانش مرتبط با کشاورزی (کاشت، داشت، برداشت) و مباحث مرتبط با زنجیره غذایی) و به مقوله‌های مهارتی 11 درصد و مقوله نگرشی سواد تغذیه، در حد کمی یعنی 1/4 درصد پرداخته شده است. این نشان‌دهنده توجه پایین مؤلفان به مقوله‌های مهارتی و نگرشی و توجه بیشتر به مقوله‌های دانشی سواد تغذیه می‌باشد.

سؤال پژوهشی 2: در مورد میزان مقوله‌ها و زیرمقوله‌های سواد تغذیه‌ای در پرسش‌های کتاب‌های علوم پایه‌های اول تا ششم با توجه به تحلیل محتوای کتاب‌های فوق و جدول 2، مشخص گردید که در سؤالات کتاب‌های علوم تجربی دوره ابتدایی بر اساس یافته‌های به دست آمده از تحلیل محتوای کتب فوق‌الذکر اولاً سطح مقوله‌های سواد تغذیه موجود در کتب علوم تجربی، بر اساس درصدهای به دست آمده متوسط و متوسط به پایین می‌باشد و ثانیاً از مقایسه بین کتب فوق‌الذکر مشخص است که تعداد و درصد مقوله‌های مربوط به سواد تغذیه در کتاب سال سوم بیشتر از بقیه کتاب‌ها و مقوله‌های سواد تغذیه موجود در کتاب سال پنجم نیز کمتر از سایر کتاب‌ها می‌باشد. نتایج تحلیل محتوای کتب درسی مورد بررسی در سؤالات نشان می‌دهد که فراوانی مقوله‌های سواد تغذیه در سؤالات پایه‌های چهارم و پنجم و ششم نسبت به پایه دوم و سوم سیر نزولی داشته است.

جدول 2- درصد فراوانی مقوله‌های سواد تغذیه در سؤالات کتاب‌های علوم تجربی ابتدایی

پایه	اول	دوم	سوم	چهارم	پنجم	ششم	مجموع
فراوانی	10	35	80	6	4	7	142
درصد	7/1%	24/6%	56/3%	4/2%	2/8%	4/9%	100%

ضمناً پراکندگی مقوله‌های سواد تغذیه در سؤالات کتاب‌های شش پایه‌ی ابتدایی با توجه به مقوله‌های سواد تغذیه (مقوله‌های دانشی، مهارتی، نگرشی) یکسان نبوده و بیشتر تأکید کتب فوق‌الذکر در سؤالات و فعالیت‌ها نیز بر مقوله‌های دانشی سواد تغذیه که 65 درصد بود (بیشترین فراوانی در زیرمقوله‌ی شناخت گروه‌های غذایی اصلی و دانش مرتبط با کشاورزی (کاشت، داشت، برداشت) و مباحث مرتبط با زنجیره غذایی) بوده است و در سؤالات به مقوله‌های مهارتی 35 درصد پرداخته شده و به مقوله‌های نگرشی سواد تغذیه در سؤالات پرداخته نشده بود.

سؤال پژوهشی 3: در مورد میزان مقوله‌ها و زیرمقوله‌های سواد تغذیه در تصاویر کتاب‌های علوم پایه‌های اول تا ششم نتایج تحلیل محتوا در جدول 3 نشان داد که اولاً سطح مقوله‌های سواد تغذیه موجود در تصاویر کتب علوم تجربی، بر اساس درصدهای به دست آمده متوسط به پایین می‌باشد و ثانیاً از مقایسه بین کتب فوق‌الذکر مشخص است که تعداد و درصد مقوله‌های مربوط به سواد تغذیه در تصاویر کتاب سال سوم بیشتر از بقیه کتاب‌ها و مقوله‌های سواد تغذیه موجود در تصاویر کتاب سال ششم نیز کمتر از سایر کتاب‌ها می‌باشد. در اینجا نیز مشاهده شد که فراوانی مقوله‌های سواد تغذیه در تصاویر پایه‌های چهارم و پنجم و ششم نسبت به پایه اول، دوم و سوم سیر نزولی داشته است.

جدول 3- درصد فراوانی مقوله‌های سواد تغذیه در تصاویر کتاب‌های علوم تجربی ابتدایی

پایه	اول	دوم	سوم	چهارم	پنجم	ششم	مجموع
فراوانی	22	35	105	24	17	15	218
درصد	10/1%	16%	48/2%	11/1%	7/8%	6/8%	100%

ضمناً پراکندگی مقوله‌های سواد تغذیه در تصاویر کتاب‌های شش پایه با توجه به مقوله‌های سواد تغذیه (مقوله‌های دانشی، مهارتی، نگرشی) یکسان نبوده و بیشتر تأکید کتب فوق‌الذکر در تصاویر نیز بر مقوله‌های دانشی سواد تغذیه که 85 درصد بود (بیشترین فراوانی در زیرمقوله‌های شناخت گروه‌های غذایی اصلی و دانش مرتبط با کشاورزی (کاشت، داشت، برداشت) و مباحث مرتبط با زنجیره غذایی) بوده است و به مقوله‌های مهارتی 12 درصد (که بیشترین فراوانی آن در زیرمقوله توانایی جستجو و به دست آوردن اطلاعات تغذیه‌ای مورد نیاز از منابع مختلف، توانایی تهیه و آماده‌سازی غذا و میان

وعده‌های سالم و بهداشتی، توانایی گفتگو و تبادل اطلاعات با دیگران بوده) پرداخته شده و به مقوله‌های نگرشی سواد تغذیه در تصاویر در حد کمی یعنی 1/8 درصد پرداخته شده است.

سؤال پژوهشی 4: در مورد بررسی نظر معلمان (پایه‌های اول تا ششم) دوره ابتدایی در مورد کتاب‌های علوم و آموزش مقوله‌ها و زیرمقوله‌های سواد تغذیه (دانشی، مهارتی و نگرشی) به دانش‌آموزان، این سؤال از دیدگاه معلمان علوم تجربی دوره ابتدایی مورد بررسی قرار گرفت. بر اساس یافته‌های به دست آمده از آمار توصیفی، نظر اکثر معلمان در مورد مقوله‌های دانشی سواد تغذیه موجود در کتب علوم اول، دوم، پنجم و ششم در حد کم و متوسط بوده و برای کلاس سوم در حد متوسط و زیاد و برای کلاس چهارم کم به پایین می‌باشد. جهت مقایسه نظر دیران کلاس‌های مختلف نیز از تحلیل واریانس یک سویه استفاده شد (جدول 4) با توجه به آزمون، اختلاف دیده شده بین میانگین امتیازات معلمان پایه‌های اول تا ششم ابتدایی به مقوله دانشی کتب علوم، تفاوت معناداری مشاهده شد و میانگین‌ها دارای مقادیر متفاوتی با یکدیگر بودند و سطح معناداری نیز برابر با 0/0001 گزارش شد که از سطح بحرانی 0/05 کوچک‌تر گزارش شده است. پس می‌توان استنباط نمود که نظرات معلمان پایه‌های اول تا ششم ابتدایی در مورد مقوله دانشی سواد تغذیه‌ای کتاب علوم دارای تفاوت معناداری می‌باشد. به این معنی که مقوله‌های دانشی سواد تغذیه در کتاب سال سوم و دوم بیشتر از سایر کتاب‌ها بوده است و این دو کتاب دانش‌آموزان را بیشتر با مقوله‌های دانشی سواد تغذیه آشنا می‌کنند.

جدول 4- آزمون تحلیل واریانس برای بررسی نظرات معلمان در مورد مقوله‌های دانشی سواد تغذیه‌ای کتاب علوم

نتیجه آزمون	سطح معناداری	مقدار F	درجه آزادی	انحراف معیار	میانگین	متغیر
					0/64	پایه اول
					0/41	پایه دوم
					0/47	پایه سوم
دارای تفاوت معنادار	0/0001	23/73	5		0/76	پایه چهارم
					0/75	پایه پنجم
					0/53	پایه ششم
					1/73	

برای مشخص شدن تفاوت بین گروه‌ها از آزمون شفه بهره گرفته شد. با توجه به جدول آزمون شفه (جدول 5) نیز می‌توان استنباط نمود که مقوله دانشی در کتب علوم پایه اول تا ششم ابتدایی را در 4 گروه می‌توان از یکدیگر متمایز نمود. پایه‌های چهارم و پنجم در یک گروه، پایه ششم و اول در یک گروه، پایه دوم و پایه سوم نیز در گروه‌های جداگانه‌ای به لحاظ تفاوت میانگین‌ها از یکدیگر متمایز می‌شوند. سطوح معناداری هر گروه نیز بیانگر آن است که پایه‌های موجود در هر گروه بسیار نزدیک به هم بوده و تفاوت معناداری میان آنان مشاهده نمی‌شود.

جدول 5- آزمون شفه برای بررسی تفاوت معناداری نظرات معلمان در مورد مقوله‌های دانشی سواد تغذیه‌ای کتب علوم

متغیر	گروه 1	گروه 2	گروه 3	گروه 4
پایه چهارم	1/28			
پایه پنجم	1/67			
پایه ششم		1/73		
پایه اول		1/87		
پایه دوم		2/19		
پایه سوم				2/58
سطح معناداری	0/13	0/79	0/34	0/11

برای بررسی نظر معلمان (پایه‌های اول تا ششم) دوره ابتدایی در مورد کتاب‌های علوم و مقوله‌های مهارتی، این سؤال از دیدگاه معلمان علوم تجربی دوره ابتدایی مورد بررسی قرار گرفت. بر اساس یافته‌های به دست آمده نظر اکثر معلمان در مورد مقوله‌های مهارتی سواد تغذیه موجود در کتب علوم اول، دوم، چهارم، پنجم و ششم پایه در حد کم به پایین می‌باشد و فقط در کتاب علوم سوم متوسط و کم بود. جهت مقایسه نظر معلمان کلاس‌های مختلف نیز از تحلیل واریانس یک سویه استفاده شد و نتیجه حاصله نشان داد با توجه به جدول 6 بین میانگین امتیازات معلمان پایه‌های اول تا ششم ابتدایی به مقوله مهارتی کتب علوم، تفاوت معناداری مشاهده شده است و میانگین‌ها دارای مقادیر متفاوتی با یکدیگر بوده و سطح معناداری نیز برابر با 0/0001 گزارش شده که از سطح بحرانی 0/05 کوچک‌تر گزارش شده است. پس می‌توان استنباط نمود که نظرات معلمان پایه‌های اول تا ششم ابتدایی در مورد مقوله مهارتی سواد تغذیه‌ای کتاب علوم دارای تفاوت معناداری می‌باشد. به این معنی که مقوله‌های مهارتی سواد تغذیه در کتاب سال سوم بیشتر از سایر کتاب‌ها بوده است و این کتاب دانش‌آموزان را بیشتر با مقوله‌های مهارتی سواد تغذیه آشنا می‌کند.

جدول 6- آزمون تحلیل واریانس برای بررسی نظرات معلمان در مورد مقوله مهارتی سواد تغذیه‌ای کتاب علوم

نتیجه آزمون	سطح معناداری	مقدار F	درجه آزادی	انحراف معیار	میانگین	متغیر
				0/61	1/25	پایه اول
				0/50	1/40	پایه دوم
				0/42	1/80	پایه سوم
دارای تفاوت معنادار	0/0001	19/52	5	0/77	0/74	پایه چهارم
				0/51	0/87	پایه پنجم
				0/60	1/38	پایه ششم

با توجه به جدول آزمون شفه (جدول 7) نیز می‌توان استنباط نمود که مقوله‌های مهارتی در کتب علوم پایه اول تا ششم ابتدایی را در 4 گروه می‌توان از یکدیگر متمایز نمود. پایه‌های چهارم و پنجم در یک گروه، پایه اول و ششم در یک گروه، پایه دوم و پایه سوم نیز در گروه‌های جداگانه‌ای به لحاظ تفاوت میانگین‌ها از یکدیگر متمایز می‌شوند. سطوح معناداری هر گروه نیز بیانگر آن است که پایه‌های موجود در هر گروه بسیار نزدیک به هم بوده و تفاوت معناداری میان آنان مشاهده نمی‌شود.

جدول 7- آزمون شفه برای بررسی تفاوت معناداری نظرات معلمان در مورد مقوله‌های مهارتی سواد تغذیه‌ای کتب علوم

گروه 4	گروه 3	گروه 2	گروه 1	متغیر
			0/74	پایه چهارم
			0/87	پایه پنجم
		1/25		پایه اول
	1/38			پایه ششم
	1/40			پایه دوم
1/80				پایه سوم
0/06	0/92	0/09	0/96	سطح معناداری

برای بررسی نظرات معلمان (پایه‌های اول تا ششم) دوره ابتدایی در مورد کتاب‌های علوم و مقوله‌های ارزشی، این سؤال از دیدگاه معلمان علوم تجربی دوره ابتدایی مورد بررسی قرار گرفت. بر

اساس یافته‌های به دست آمده نظر اکثر معلمان در مورد مقوله‌های ارزشی سواد تغذیه موجود در کتب علوم اول، دوم، چهارم، پنجم و ششم در حد کم به پایین بوده و برای کلاس سوم در حد زیاد و متوسط به پایین می‌باشد. جهت مقایسه نظر دبیران کلاس‌های مختلف نیز از تحلیل واریانس یک سویه استفاده شد. با توجه به جدول 8 اختلاف دیده‌شده بین میانگین امتیازات معلمان پایه‌های اول تا ششم ابتدایی به مقوله‌های ارزشی کتب علوم، تفاوت معناداری مشاهده گردیده است و میانگین‌ها دارای مقادیر متفاوتی با یکدیگر بوده و سطح معناداری نیز برابر با 0/0001 گزارش شده که از سطح بحرانی 0/05 کوچک‌تر گزارش شده است. پس می‌توان استنباط نمود که نظرات معلمان پایه‌های اول تا ششم ابتدایی در مورد مقوله ارزشی سواد تغذیه‌ای کتاب علوم دارای تفاوت معناداری می‌باشد. به این معنی که مقوله‌های ارزشی سواد تغذیه در کتاب سال سوم بیشتر از سایر کتاب‌ها بوده است و این کتاب دانش‌آموزان را بیشتر با مقوله‌های ارزشی سواد تغذیه آشنا می‌کند.

جدول 8- آزمون تحلیل واریانس برای بررسی نظرات معلمان در مورد مقوله ارزشی سواد تغذیه‌ای کتاب علوم

نتیجه آزمون	سطح معناداری	مقدار F	درجه آزادی	انحراف معیار	میانگین	متغیر
دارای تفاوت معنادار	0/0001	15/49	5	0/74	1/29	پایه اول
				0/67	1/56	پایه دوم
				0/71	1/98	پایه سوم
				0/68	0/66	پایه چهارم
				0/69	1/27	پایه پنجم
				0/78	1/27	پایه ششم

با توجه به جدول آزمون شفه (جدول 9) نیز می‌توان استنباط نمود که مقوله‌های ارزشی در کتب علوم پایه اول تا ششم ابتدایی را در 3 گروه می‌توان از یکدیگر متمایز نمود. پایه‌های چهارم در یک گروه، پایه اول، دوم، پنجم و ششم در یک گروه و پایه سوم نیز در گروه جداگانه‌ای به لحاظ تفاوت میانگین‌ها از یکدیگر متمایز می‌شوند. سطوح معناداری هر گروه نیز بیانگر آن است که پایه‌های موجود در هر گروه بسیار نزدیک به هم بوده و تفاوت معناداری میان آنان مشاهده نمی‌شود.

جدول 9- آزمون شفه برای بررسی تفاوت معناداری نظرات معلمان در مورد مقوله مهارتی سواد تغذیه‌ای کتاب علوم

گروه 3	گروه 2	گروه 1	متغیر
		0/66	پایه چهارم
	1/27		پایه ششم
	1/27		پایه پنجم
	1/29		پایه اول
	1/56		پایه دوم
1/98			پایه سوم
0/20	0/62	*1	سطح معناداری

در مورد تصاویر موجود در کتاب‌های علوم تجربی ابتدایی از نظر مقوله‌های سواد تغذیه (دانشی، مهارتی و نگرشی) نیز از نظر معلمان استفاده گردید که نتایج آن در جدول 10 ارائه شده است. بر اساس یافته‌های به دست آمده، نظر اکثر معلمان در مورد تصاویر مربوط به مقوله‌های سواد تغذیه موجود در کتب علوم اول، دوم، چهارم، پنجم و ششم در حد متوسط و کم بوده و برای کلاس سوم در حد متوسط و زیاد می‌باشد. جهت مقایسه نظر دبیران کلاس‌های مختلف نیز از تحلیل واریانس یک سویه استفاده شد و نتیجه حاصله نشان داد که بین میانگین امتیازات معلمین پایه‌های اول تا ششم ابتدایی نسبت به تصاویر در یادگیری مقوله‌های دانشی، مهارتی، نگرشی در کتب علوم، تفاوت معناداری مشاهده شده است و میانگین‌ها دارای مقادیر متفاوتی با یکدیگر بوده و سطح معناداری نیز برابر با 0/0001 گزارش شده که از سطح بحرانی 0/05 کوچک‌تر است. پس می‌توان استنباط نمود که نظرات معلمان پایه‌های اول تا ششم ابتدایی در مورد تأثیر تصاویر در یادگیری مقوله‌های دانشی، مهارتی، نگرشی در کتب علوم دارای تفاوت معناداری می‌باشد. به این معنی که تصاویر موجود در کتاب سال دوم و سوم بیشتر از سایر کتاب‌ها بوده است و این کتاب‌ها بیشتر دانش آموزان را با مقوله‌های سواد تغذیه آشنا می‌کنند.

جدول 10-آزمون تحلیل واریانس برای بررسی نظرات معلمان در مورد تصاویر استفاده شده در کتاب علوم درباره مقوله‌های سواد تغذیه

نتیجه آزمون	سطح معناداری	مقدار F	درجه آزادی	انحراف معیار	میانگین	متغیر
				0/84	2	پایه اول
				0/73	2/36	پایه دوم
				0/67	2/67	پایه سوم
دارای تفاوت معنادار	0/0001	5/55	5	0/68	1/93	پایه چهارم
				0/89	2/14	پایه پنجم
				0/66	2/15	پایه ششم

تفاوت معنادار

با توجه به جدول آزمون شفه (جدول 11) نیز می‌توان استنباط نمود که تأثیر تصاویر در یادگیری مقوله‌های دانشی، مهارتی، نگرشی در کتب علوم پایه اول تا ششم ابتدایی را در 2 گروه می‌توان از یکدیگر متمایز نمود. پایه‌های چهارم، پنجم، اول، ششم و دوم در یک گروه و پایه سوم نیز در گروه جداگانه‌ای به لحاظ تفاوت میانگین‌ها از یکدیگر متمایز می‌شوند. سطوح معناداری هر گروه نیز بیانگر آن است که پایه‌های موجود در هر گروه بسیار نزدیک به هم بوده و تفاوت معناداری میان آنان مشاهده نمی‌شود.

جدول 11- آزمون شفه برای بررسی نظرات معلمان در مورد تصاویر استفاده شده در کتاب علوم درباره مقوله‌های سواد تغذیه

گروه 2	گروه 1	متغیر
	1/93	پایه چهارم
	2	پایه پنجم
	2/14	پایه اول
	2/15	پایه ششم
	2/36	پایه دوم
2/67		پایه سوم
0/7	0/22	سطح معناداری

بحث و نتیجه‌گیری

بر اساس نتایج حاصل از تحلیل محتوا میزان توجه به مقوله‌های سواد تغذیه در متن کتاب‌های علوم تجربی ابتدایی 44٪ بود که بیشترین میزان پرداختن به مقوله‌های سواد تغذیه در متن کتاب سال دوم و سوم بوده است. از بررسی پیشینه‌های پژوهشی می‌توان نتیجه گرفت که بخشی از این یافته‌ها در قسمت مقوله‌های دانشی (شناخت گروه‌های غذایی اصلی) با یافته‌های رفیعان (1393) همسو است که در پژوهشش به این نتیجه دست یافته که میزان توجه به گروه‌های غذایی اصلی در کتاب سوم ابتدایی بیشتر است. همچنین بخشی از یافته‌های این تحقیق (توجه به مقوله ارتباط سلامت و بیماری با الگوی تغذیه) با یافته‌های تحقیق ایزدی و صالحی عمران (1390) همسو می‌باشد. آنها نیز در پژوهش خود به این نتیجه دست یافتند که به این مؤلفه تغذیه که یکی از مؤلفه‌های آموزش سلامت است در کتاب‌های علوم با ضریب اهمیت صفر، توجهی نشده است. همچنین این پژوهش از نظر توجه اندک به زیر مقوله ارتباط سلامت و بیماری با الگوی تغذیه با تحقیق ایزدی و صالحی عمران (1390) همسو است. میزان توجه به مقوله‌های سواد تغذیه در سؤالات کتاب علوم 22/1٪ بود که بیشترین میزان پرداختن به مقوله‌های سواد تغذیه در سؤالات کتاب سال سوم بوده است. نتایج تحلیل محتوای کتب درسی مورد بررسی در سؤالات نشان می‌دهد که فراوانی مقوله‌های سواد تغذیه در سؤالات پایه‌های چهارم و پنجم و ششم نسبت به پایه دوم و سوم سیر نزولی داشته؛ این در حالی است که برای ایجاد و ابقاء عادات صحیح غذایی به آموزش‌های طولانی مدت نیاز است. از بررسی پیشینه‌های پژوهشی می‌توان نتیجه گرفت که بخشی از این یافته‌ها (از لحاظ توجه بیشتر به مقوله‌های دانشی سواد تغذیه مانند شناخت گروه‌های غذایی و دانش مرتبط با کشاورزی) با یافته‌های رفیعان (1393) که در پژوهشش به این نتیجه دست یافته که میزان توجه به گروه‌های غذایی اصلی در متن، تصویر و سؤالات کتاب سوم ابتدایی بیشتر است، همسو است. میزان توجه به مقوله‌های سواد تغذیه در تصاویر کتاب‌های علوم تجربی 33/9٪ بود که بیشترین میزان پرداختن به مقوله‌های سواد تغذیه در تصاویر کتاب سال سوم بوده است. بر اساس نتایج تحلیل محتوا در اینجا نیز مشاهده شد که فراوانی مقوله‌های سواد تغذیه در تصاویر پایه‌های چهارم و پنجم و ششم نسبت به پایه اول، دوم و سوم سیر نزولی داشته است. با توجه به اهمیت سواد تغذیه به عنوان یک دانش کاربردی برای تأمین یک نیاز اساسی، به نظر می‌رسد که اهداف آموزشی این کتاب منطبق با نیازهای دانش‌آموزان دوره ابتدایی نبوده و مستلزم تغییر است. بخشی از این یافته‌ها (از لحاظ پرداختن بیشتر مقوله‌های سواد تغذیه به تصاویر کتاب سوم) با یافته‌های رفیعان (1393) از نظر دارا بودن بیشترین فراوانی گروه‌های غذایی اصلی در متن، سؤالات و تصاویر مربوط به کتاب سوم هم‌راستا است. همچنین یافته‌های این تحقیق در قسمت متن،

سؤالات و تصاویر با پژوهش کیان (1394) نیز همسو است و این پژوهش‌ها همگی بر اهمیت آموزش سواد تغذیه به منظور ارتقاء سطح آگاهی و عملکرد تغذیه‌ای دانش‌آموزان تأکید می‌نمایند. همچنین یافته‌های وفایی نجار و همکاران (1393)، صمدی و کاظمی بازدرهی (1390)، جهانگیری و رجبی (1380)، پورعبداللهی و ابراهیمی ممقانی (1379)، میلو ساولویچ و همکارانش (2015)، منوچهری نائینی و همکاران (2014)، بلانکو و بوتله (2011)، فاستر و همکاران (2008) هم‌راستا با نتایج تحقیق می‌باشد و همگی این تحقیقات توجه به سواد تغذیه و مسائل مرتبط با آداب تغذیه را مورد توجه قرار داده‌اند و معتقد بوده‌اند که آموزش‌های مدرسه‌ای به تغییر نگرش مثبت در سواد تغذیه دانش‌آموزان منجر خواهد شد. همچنین نتایج تحلیل محتوا مشخص کرد که میزان توجه به مقوله‌های دانشی در کتاب‌های علوم، به طور کلی 82/2٪ و میزان توجه به مقوله‌های مهارتی در کل محتوای کتاب‌های علوم تجربی شش پایه 16/6٪ و میزان توجه به مقوله‌های نگرشی 1/2٪ می‌باشد. کودکان ابتدایی دوره انتقال از کودکی به نوجوانی را در پیش دارند و در آینده با جهش رشد جسمی و بلوغ روبرو خواهند شد، بنابراین تغذیه این دوران از نظر رشد، اهمیت زیادی دارد و از آنجایی که یکی از مشکلات عمده تغذیه‌ای در این دوران وجود دانش ضعیف، باورهای غلط غذایی و در نتیجه عملکرد نادرست نوجوانان است، لذا اصلاح باورهای تغذیه‌ای آنها از طریق برنامه‌های درسی مدرسه و رسانه‌های گروهی از اهمیت بسزایی برخوردار است. برای دستیابی به جامعه‌ای سالم و پویا باید آموزش تغذیه و افزایش سواد تغذیه‌ای در همه ابعاد آن صورت گیرد. یافته‌های پژوهش حاضر در بخش تحلیل محتوا، ضرورت بازنگری برنامه‌های درسی رسمی مدارس در جهت ارتقاء سواد تغذیه‌ای دانش‌آموزان نوجوان را بیش از پیش مورد تأکید قرار می‌دهد. با توجه به نتایج این پژوهش و برجسته شدن نقش آگاهی، دانش و سواد تغذیه‌ای پیشنهاد می‌شود تا در برنامه‌های رسمی مدارس دوره ابتدایی، به آموزش تغذیه سالم و ارتقاء سواد تغذیه‌ای سالم دانش‌آموزان توجه بیشتری شود و این هدف از طریق برنامه‌ریزی‌های درسی مدون و بازنگری در محتوای کتاب‌های درسی پیگیری شود.

نظر بیشتر آموزگاران در مورد میزان مقوله‌های سواد تغذیه در محتوای کتاب‌ها (متن و فعالیت‌ها) بر اساس نتایجی که از سؤال 4 به دست آمد نشان داد که مقوله‌های دانشی سواد تغذیه در کتاب سال سوم و دوم بیشتر از سایر کتاب‌ها بوده است و این دو کتاب دانش‌آموزان را بیشتر با مقوله‌های دانشی سواد تغذیه آشنا می‌کنند که با یافته‌های حاصل از تحلیل محتوای همین پژوهش نیز همسوست. این یافته با یافته‌های رفیعان (1393) مبنی بر فراوانی بیشتر مقوله‌های دانشی سواد تغذیه در متن، تصویر و سؤالات کتاب سال

سوم، در یک راستا است. از بررسی نظر آموزگاران در مورد میزان مقوله‌های مهارتی و نگرشی در کتاب‌های علوم مشخص گردید که مقوله‌های مهارتی و نگرشی در کتاب سال سوم بیشتر از سایر کتاب‌ها بوده است و این کتاب دانش‌آموزان را بیشتر با این دو مقوله آشنا می‌کند. این یافته‌ها با یافته‌های حاصل از تحلیل محتوا در همین تحقیق همسو می‌باشد. ولی پژوهشی که به بررسی مقوله‌های مهارتی و نگرشی سواد تغذیه و بررسی نظرات معلمان در این مورد پرداخته باشد تاکنون انجام نگرفته است. از بررسی نظر آموزگاران در مورد تصاویر کتاب‌ها در مورد مقوله‌های سواد تغذیه هم مشخص گردید که از نظر آموزگاران تصاویر موجود در کتاب سال دوم و سوم بیشتر از سایر کتاب‌ها بوده است و تصاویر این کتاب‌ها دانش‌آموزان را بیشتر با مقوله‌های سواد تغذیه آشنا می‌کند. این یافته‌ها با یافته‌های حاصل از تحلیل محتوا در همین تحقیق همسو می‌باشد. همچنین این یافته با یافته‌های رفیعیان (1393) مبنی بر فراوانی بیشتر مقوله‌های سواد تغذیه در متن، سؤالات و تصاویر مربوط به کتاب سال سوم هم‌راستا است. بنا بر نتایج تحقیق حاضر در نظرخواهی از معلمان شش پایه ابتدایی مشخص گردید که اطلاع‌رسانی کتاب علوم سوم از نظر مقوله‌های دانشی، مهارتی، نگرشی و تصاویر نسبت به معرفی و شناسایی مقوله‌های سواد تغذیه از وضعیت بهتری برخوردار بوده است.

با توجه به این که نگرش‌ها و عاداتی که در کودکی شکل می‌گیرند در تصمیم‌گیری‌های دوران بزرگسالی نقش بسزایی ایفا می‌کنند؛ از این رو، دوره آموزش ابتدایی اساس دوره‌های بالاتر و تجارب دانش‌آموزان است که در صورت مرتبط بودن، برانگیخته، سودمند و مؤثر و با یادگیری همیشگی همراه خواهند بود؛ پس بهتر است آموزش مفاهیم حتی اگر بسیار اندک از این دوره آغاز و در دوره‌های بالاتر تکمیل شود. در این راستا، کتاب‌های درسی باید پاسخ‌گوی نیازهای عاطفی، اجتماعی و ارضاء حس کنجکاوی دانش‌آموزان بوده و امکان شناخت لازم از خود، دنیای پیرامون و ارزش‌ها را به آنها بدهد و در آنها امید و آرامش ایجاد کند. برنامه‌های درسی به عنوان درون‌داد نظام آموزشی، بستر تمامی ارزش‌ها و نیازهای فردی و اجتماعی است و به همین دلیل تشخیص و شناسایی نیازها و اولویت‌های آنها محوری‌ترین عنصر در تصمیم‌گیری‌های آموزشی محسوب می‌شود. با توجه به اهمیت سواد تغذیه به عنوان یک دانش کاربردی برای تأمین یک نیاز اساسی، به نظر می‌رسد که اهداف آموزشی این کتاب منطبق با نیازهای دانش‌آموزان دوره ابتدایی نبوده و مستلزم تغییر است. امیدوار (1386) معتقد است که تغییر و بهبود رفتارهای تغذیه‌ای دانش‌آموزان نیاز به مجموعه‌ای از مداخله‌ها مانند تغییر برنامه درسی دارد. بنابراین با توجه به اهمیت حیاتی موضوع سواد تغذیه و این که آموزش و پرورش تنها نهاد رسمی

است که در کنار خانواده عهده‌دار تعلیم و تربیت کودکان و نوجوانان است و از سوی دیگر تنها ابزار آموزشی کشور ما کتاب درسی است که به صورت مکتوب و مدون وسیلهٔ تعلیم و تربیت می‌باشد، محتوای کتاب‌های موجود باید انتظارات را برآورده سازد. در حالی که نتایج این پژوهش و نظرخواهی از معلمان نشان می‌دهد که کتاب‌های درسی مقطع ابتدایی به طور مؤثر و کافی به آموزش مقوله‌های سواد تغذیه نپرداخته است؛ به‌ویژه موضوع کمیت مصرف که مربوط به راهنمای تغذیه روزانه و از ابعاد اصلی الگوی مصرف می‌باشد، رها شده است. مسأله ارتباط تغذیه و سلامت و بسیاری از مسائل دیگر سواد تغذیه نادیده گرفته شده است.

پیشنهادها

با توجه به اهمیت تغذیه و سواد تغذیه و تأثیر کتاب‌های درسی بر آن، پیشنهادهایی مطرح می‌شوند که عبارتند از:

- 1- تناسب پراکندگی مقوله‌های مربوط به مقوله‌های سواد تغذیه در قسمت‌های مختلف متن، تصویر و سؤالات رعایت گردد.
- 2- به مقوله‌های سواد تغذیه در هر سه حیطه (دانشی، مهارتی و نگرشی) در کتب درسی توجه بیشتری شود.
- 3- از متن، تصاویر و فعالیت‌های بیشتری برای پرداختن به مقوله‌های سواد تغذیه در کتب دوره ابتدایی استفاده شود.
- 4- پیشنهاد می‌شود که به هنگام تألیف، تدوین یا اصلاح کتب درسی از نظرات دبیران نیز استفاده گردد.
- 5- پیشنهاد می‌شود میزان توجه به مقوله‌های سواد تغذیه در کتاب‌های دوره ابتدایی با کتب دوره ابتدایی دیگر کشورها نیز مقایسه شود.
- 6- دوره ابتدایی با دوره‌های دیگر تحصیلی از لحاظ میزان پرداختن به مقوله‌های سواد تغذیه مقایسه شود.
- 7- با توجه به این که معلمان نقش اصلی را در آموزش کتاب‌های درسی ایفا می‌کنند، پیشنهاد می‌شود میزان توجه محتوای کتاب‌ها به مقوله‌های سواد تغذیه از دیدگاه آنان نیز با روش دیگری بررسی و با تحقیق حاضر مقایسه شود.

منابع

- امیدوار، نسرین. (1386). اهمیت مداخله‌های مبتنی بر جامعه در سطح مدارس در بهبود رفتار و وضعیت تغذیه‌ای کودکان. نهمین کنگره تغذیه ایران، تبریز: مرکز تحقیقات علم تغذیه.
- ایزدی، صمد و دیگران. (1389). «تجزیه و تحلیل محتوای کتاب‌های درسی دوره ابتدایی بر اساس مؤلفه‌های آموزش سلامت». فصل‌نامه نوآوری‌های آموزشی، شماره 33، سال نهم.
- بایگی، فرشته؛ ابوالقاسم جزایری و آرزو حقیقیان رودسری. (1386). شیوع سوء تغذیه در کودکان و برنامه‌های مداخله‌ای با محور فقرزدایی. نهمین کنگره تغذیه ایران، تبریز: مرکز تحقیقات علوم تغذیه.
- پور عبداللهی، پروین و مهرانگیز ابراهیمی مقانی. (1379). «آگاهی‌های تغذیه‌ای دختران دانش‌آموز تبریز». مجله دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی قزوین، شماره 16.
- توکل ساری بگلو، علیرضا. (1390). «بررسی رابطه میان دانش تغذیه‌ای، شاخص‌های آنترپومتریک و آمادگی جسمانی دانش‌آموزان مقطع متوسطه شهرستان شهریار». دانشگاه محقق ادیبلی، اردبیل.
- جهانگیری، جهانگیر و ماهرخ رحبی. (1386). «بررسی فرهنگ و سواد تغذیه‌ای زنان در شهر شیراز». مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز، دوره شانزدهم، شماره دوم، پیاپی 32.
- دهقانی، مرضیه. (1388). «تحلیل محتوای کتاب‌های تعلیمات اجتماعی دوره ابتدایی بر اساس مهارت‌های اجتماعی به توجه به دیدگاه آموزگاران». فصل‌نامه نوآوری‌های آموزشی، شماره 31، سال هشتم.
- رسولی، آرزو. (1388). بررسی تأثیر برنامه آموزشی مدون بر رفتارهای تغذیه‌ای دانش‌آموزان دختر راهنمایی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده علوم پزشکی.
- رفعیان، مصطفی. (1388). تحلیل محتوای کتاب‌های علوم تجربی دوره ابتدایی از نظر میزان توجه به سواد تغذیه‌ای. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی، دانشکده علوم انسانی.
- ساویج کینگ، فلیستی و آنا بورگس. (1383). تغذیه برای کشورهای در حال توسعه. ترجمه آزاده امین‌پور و همکاران. تهران: انیستیتو تحقیقات تغذیه‌ای و صنایع غذایی کشور.
- سند ملی توسعه فربخشی امنیت غذا و تغذیه، برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران. تهران: وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، 1383.
- صمدی، پروین و سیده معصومه کاظمی بازاری. (1390). «تحلیل محتوای کتب ابتدایی بر اساس الگوی صحیح مصرف مواد غذایی». فصل‌نامه مطالعات برنامه درسی، شماره 22، سال ششم، 140-117.
- کیان، مریم. (1394). «تحلیل برنامه درسی مغفول سواد تغذیه‌ای در دوره تحصیلی متوسطه». دو فصل‌نامه نظریه و عمل در برنامه درسی، سال سوم، شماره 6.
- معمدرضایی، ام‌البین و دیگران. (1390). «تأثیر آموزش تغذیه و بهداشت مواد غذایی بر آگاهی معلمین زن ابتدایی شهر فردوس». مجله تحقیقات نظام سلامت، سال هفتم، شماره ششم.

- وفایی نجار، علی و دیگران. (1393). «تأثیر آموزش تغذیه در دوران بلوغ بر آگاهی و عملکرد تغذیه‌ای دانش‌آموزان دختر مقطع راهنمایی شهر بیرجند». *مجله دانشگاه علوم پزشکی بیرجند*، دوره 21، شماره 2.
- Allen, J., *Tools for Teaching Content Literacy*, Portland, ME: Stonehouse Publishers, 2004.
- Blanco, Estela & Boutelle, Kerri., (2011). "Maternal Attitudes and Behaviors Regarding Feeding Practices in Elementary School-Aged", *Journal of the Academy of Nutrition and Dietetics*, 79(6):759-710.
- Foster, Gary. D., (2008). A Policy Based School Intervention to Prevent Over weight and Obesity, *Pediatrics*, 121 (4), pp: 794 -802,.
- Manouchehri Naeeni, M., Jafari , S ., Fouladgar, M., Heidari, K., Farajzadegan, Z. , Fakhri , M . , Karami , P . , & Omid , R . (2014) . "Nutritional Knowledge Practice , and Dietary Habits among school Children and Adolescents", *International journal of preventive medicine school health* (special issue 2).
- Milosavljevic, D., Mandic, ML., Banjari, I, (2015). *Nutritional knowledge and dietary habits survey in high school population*, Col: *Antropol*, 39.1: pp101-107.



Content analysis of elementary science books in terms of three categories of nutritional literacy

Azam Gholami¹, Masoumeh Mahmoudi Gojedi², Marzieh Dehghani³

Abstract

One of the pillars of community health is the provision of physical and mental needs through diserable nutrition. The purpose of the present study was to investigate the importance of science textbooks in elementary school as well as the views of the first to sixth grade teachers of district 2 of Kermanshah toward the categories of nutrition literacy categories in these books. The samples which are studied in this research is: 1-All primary school science books (the first to sixth grades) in the academic year 1395-1396. 2-255 from first to sixth grade teachers in district 2 of Kermanshah The statistical method of this research was descriptive analysis of the data. For this purpose, the content analysis method of Krippendorff (2004) was used and for analyzing the results, descriptive statistics methode were used. Nutrition literacy categories were evaluated for three purposes: knowledge, skill and attitude. The book analysis tool was a content analysis construct based on theoretical foundations and its validity was verified by experts and its reliability was calculated based on the Holstebian reliability coefficient formula. The data collection tool was designed by a researcher-made questionnaire to examine the opinions of teachers. Its validity Confirmed by the professors and its reliability was calculated by using Cronbach alpha method. To analyze the research hypotheses, we used one-way variance analysis and Shafas post hoc test Content analysis. Results showed that the attention to the categories in the text of the books is 44%, the questions are 22.1% and the pictures are 33.9%. The attention to the knowledge categories in the text, the pictures and the questions 82.2%, the Skills categories 16.6% and attitudes categories 1.2%. the categories of knowledge and pictures which are related to the categories in the second and third science textbooks and the categories of skill and attitude in the third science textbook were more than other books which were determined by reviewing of the teachers opinions.

Key words: content analysis, science, elementary school, nutritional literacy, attitude, skill.

1. Department of Biology, Faculty of Cancer, Tehran University, Azam.Gholami@gmail.com

2. Master of Curriculum Planning, Farhangian University, Tehran.

3. Faculty Member, Department of Curriculum Planning, University of Tehran.